

مردِ بی‌زبان

(دستور زبان تازه‌ی فنلاندی)

(رمان)

دیده‌ی مارانی

ترجمه: مجتبی‌زیدی



ناشر برگزیده ویژه سال ۱۳۹۲

سرشناسه	: مارانی، دییگو، ۱۹۵۹ م. Marani, Diego
عنوان و نام پدیدآور	: مرد بی زبان: دستور زبان تازه فنلاندی.
مشخصات نشر	: تهران: آمو، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ صفحه
شابک	: 978 - 600 - 384 - 004 - 1
شناسه افزوده	: ویسی، مجتبی، ۱۳۴۰ - مترجم.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۹۱۹۹۷



ناشر بریده‌پوش، ۱۳۹۲

مرد بی زبان

(دستور زبان تازه فنلاندی)
(رمان)

ترجمه: مجتبی ویسی

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۱۰۰

حروفچینی: فرزانه ویسی

نمونه خوانی: مینا فرشی احمدی - رکسانا تقوی

لیتوگرافی و چاپ: ترانه

نشر آمو

تلفن: ۶۶۴۹۹۱۰۵ - ۶۶۴۹۹۲۳

تلفن همراه: ۰۹۳۶۰۳۵۵۴۰۱

پست الکترونیکی: aamout@gmail.com

وب سایت: www.aamout.com

اینستاگرام: www.instagram.com/aamout

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

978 - 600 - 384 - 004 - 1

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۴-۰۰۴-۱

فهرست

۵	فهرست
۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	سخن اول
۱۵	بازگشت به هلسینکی
۸۵	دستور زبان تازه‌ی فنلاندی
۱۵۱	درخت خاطرات خوش
۲۳۱	پیشگویی پایان
۲۴۳	سخن آخر

مقدمه‌ی مترجم

اگر روزی بیدار شویم و بفهمیم که هیچ به یاد نمی‌آوریم، چه می‌کنیم. نه خوردن را بشناسیم، نه اطرافیان، نه مکان را بشناسیم، نه سرزمینی که سران به سر می‌بریم؛ حتی زبان‌مان را به یاد نیاوریم، نتوانیم حرف بزنیم. در آن صورت، با فراموشی، با فقدان، چه می‌کنیم؟ هویت‌مان چه می‌شود؟ زبان‌مان چه می‌شود؟ از کجا به هستی خود معنا می‌بخشیم؟ به ارتباط، به ترجمه؟ به ماهیت چه گونه می‌رسیم؟

حافظه، هویت و زبان سه موضوع محوری هستند که رمان «مرد بی‌زبان» بر اساس آنها سامان یافته است. نویسندگان با بهره‌گرفتن از ظرفیت‌های این سه مؤلفه و به حرکت درآوردن آنها بر بستر جغرافیایی نامانوس، یک فضای ممکن داستانی انحصاری ساخته است. از طرفی، همین فضای داستانی ما را با فرهنگی حاشیه‌ای و تبعی‌آشنا می‌کند، با زبان، باورها، اسطوره‌ها، طرز تفکر و شیوه‌ی زیست مردم سرزمینی که اخبارش حتی ممکن است توجه کسی را به خود جلب نکند. در واقع، نویسنده یک زیست‌بوم دور از مرکز را به مرکز توجه کشانده است تا به یادمان بیاورد که زمین صرفاً جایگاه یکی دو فرهنگ غالب نیست، بلکه گنجینه‌ای از فرهنگ‌ها در طول قرون بر کمره‌ی زمین

شکل گرفته است. نکته‌ی جالب هم آن است که کسی از سرزمینی دیگر، یعنی ایتالیا، درباره‌ی این فرهنگ و زبان حاشیه‌ای، یعنی فنلاند، نوشته است.

و حیف است نگویم که زبان در این رمان چه‌سان جان می‌گیرد و حرف‌ها و کلمات چه گونه به پرواز درمی‌آیند؛ مصوت و صامت با رخ‌رَد به لب و دندان و زبان چه‌سان آوا می‌شوند و به گوش می‌رسند، و چه گونه این همه در برابر چشمان ما به تصاویری عینی بدل می‌شوند. شاید این حسیت بخشیدن به زبان از آن رو میسر شده باشد که نویسنده‌ی کتاب، شب و روز با مقوله‌ی زبان درگیر است، چراکه او زبان‌شناس است، زبان‌ان اتحادیه‌ی اروپا.

دیه‌گو مارانی، رمان‌نویس، مترجم و مقاله‌نویس ایتالیایی در سال ۱۹۵۹ در «فرارا» به دنیا آمد و تا به حال هشت رمان به چاپ رسانده است که معروف‌ترین آنها همین «مرد بی‌زبان» بوده که به چندین زبان ترجمه شده و جایزه‌ی ادبی «گرینتزانه» اروپا را نیز نصیب او کرده است. از رمان‌های دیگر او می‌توان به ماجراهای «زری» کابیلو، مترجم و آخرین ووستیاک اشاره کرد. آخرین رمانش، تا به امروز با عنوان «سگ خدا» در سال ۲۰۱۲ به چاپ رسید.

از اینها که بگذریم، دیه‌گو مارانی زبانی نیز به نام «یوروپاسو» خلق کرده که پایه‌ی آن را بر اساس کلمات، عبارت‌ها و ساختارهای مشترک زبان‌های اروپایی ریخته است و در آن می‌توان از همه‌ی زبان‌های اروپایی برای رساندن منظور خود سود جست. خود ترکیب «یوروپانتو» نیز به معنای «همه‌ی اروپا» است. او این زبان را در سال ۱۹۹۶، در زمان کار برای اتحادیه‌ی اروپا، در مقام مترجم، خلق کرد.

مارانی هم‌اکنون در اداره‌ی کل ترجمه در کمیسیون اروپا به کار مشغول است و در ضمن مرتب برای روزنامه‌ی ایتالیایی «ایل سوله ونتی کواترو اوره» مقاله می‌نویسد.

عنوان این رمان در اصل «دستور زبان تازه‌ی فنلاندی» است که ممکن بود در کشور ما به راحتی با کتاب‌های گرامر اشتباه گرفته شود. به همین دلیل نام آن به «مرد بی‌زبان» تغییر یافت تا از بروز چنین اشتباهی جلوگیری به عمل آید. امیدوارم نویسنده و همچنین مخاطبان عرصه‌ی ادبیات این تغییر ناخواسته را بر من ببخشایند.

در خواست لازم می‌دانم از دوست نازنینم آرمن نرسیسیان تشکر کنم که متن اصلی را در اختیارم گذاشت و مرا به ترجمه‌ی کتاب ترغیب کرد. همچنین سپاسگزار خواهم بود از عزیزم فرزانه ویسی هستم که متن ترجمه را با حوصله‌ی فراوان و دقت فراوان بررسی کرد.

مجتبی ویسی